

پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، سال ۸، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸  
(از ص ۱۷ تا ص ۳۵)



10.22059/jlcr.2019.276340.1200  
Print ISSN: 2382-9850—Online ISSN: 2676-7627  
<http://jlcr.ut.ac.ir>

## تحلیل ساختار روایی داستان خسرو و شیرین نظامی

محبوبه اظهري<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری ادبیات غنایی فارسی دانشگاه تهران

محمدرضا ترکی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

تیمور مالمیر

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان

علیرضا حاجیان نژاد

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۷؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۱

### چکیده

چند مسئله در داستان خسرو و شیرین، نظیر نحوه رسیدن و آشنا شدن این دو شخص، سرانجام غم‌انگیز آن‌ها، به‌رغم ظاهر پر نشاط رمانس‌های فارسی و میزان کنش شیرین در روایت نظامی درخور توجه است. بدین سبب، برای دریافت چگونگی شکل‌گیری داستان و فرجام غم‌انگیز شخصیت‌های مهم آن به بررسی و تحلیل ساختار روایت نظامی از داستان خسرو و شیرین پرداخته‌ایم. روایت خسرو و شیرین با یک پی‌رفت کامل آغاز می‌شود. با اتمام این پی‌رفت، دو پی‌رفت اصلی شکل می‌گیرد که یکی کنشگری خسرو در به دست آوردن چهار مطلوب ارزشمند «شیرین، تخت سلطنت، شبدیز و باربد» و دیگری کنشگری شیرین در به دست آوردن خسرو است. پی‌رفت‌های روایت چرخه‌های ثابتی از تغییر وضعیت از پایدار به ناپایدار هستند که کنش‌ها و واکنش‌های نیروهای یاریگر و مقابله‌گر در دگرگونی وضعیت آن‌ها نقشی اساسی دارند. هر پی‌رفت با دگرگون شدن از وضعیت متعادل به نامتعادل آغاز می‌شود و با امکان دگرگونی و در نهایت، دگرگونی پایان می‌پذیرد. این دگرگونی‌های مطلوب در پایان روایت از دست می‌روند و نشانی از وصال دائمی در هیچ کدام از آن‌ها دیده نمی‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** ساختار روایی، نظامی گنجوی، خسرو و شیرین، پی‌رفت‌ها، کارکردها.

## ۱. مقدمه

نظامی اولین منظومه عاشقانه خود، یعنی خسرو و شیرین را بر اساس طرحی از شاهنامه و اقوال و نوشته‌های مشهور در آن زمان به سبب علاقه‌مندی شخصی و خشنودی قزل ارسلان سرود. پس از آن، این منظومه در پهنه ادب فارسی گسترش چشمگیری یافت، به گونه‌ای که شصت و چهار کتاب با نام خسرو و شیرین و هفده کتاب با عنوان‌های شیرین و خسرو و شیرین و فرهاد از آن تقلید و تألیف شده‌است (بر اساس فهرست باباصفری، ۱۳۹۲). چند مسئله در داستان خسرو و شیرین، نظیر نحوه رسیدن و آشنا شدن خسرو و شیرین، سرانجام غم‌انگیز آن‌ها، به‌رغم ظاهر پرنشاط رمانس‌های فارسی و میزان کنش شیرین در روایت نظامی درخور توجه است. بدین سبب، برای دریافت چگونگی شکل‌گیری داستان و فرجام غم‌انگیز شخصیت‌های مهم آن به بررسی و تحلیل ساختار روایت نظامی از داستان خسرو و شیرین پرداخته‌ایم تا نشان دهیم کنش‌ها و واکنش‌های به‌کار رفته در روایت چه میزان متأثر از ساختار روایی داستان است. بررسی کارکردها با استفاده از دیدگاه رولان بارت و شکل‌گیری پی‌رفت‌ها بر مبنای دیدگاه‌های برمون و تودوروف انجام گرفته‌است.

## ۲. پیشینه پژوهش

تاکنون درباره داستان خسرو و شیرین کتاب، پایان‌نامه، رساله و مقالات متعدد و فراوانی نوشته شده‌است. از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۸۷، در مجموع ۱۲۵ کتاب مستقل درباره نظامی به تحریر درآمده‌است و در حوزه نقد و تحلیل بیشترین آمار از آن داستان خسرو و شیرین است (رک: نوروزی و دیگران، ۱۳۸۷). سعیدی سیرجانی (۱۳۶۷)، به مقایسه دو شخصیت زن در دو داستان خسرو و شیرین و لیلی و مجنون می‌پردازد و تأثیر دو جامعه ایرانی و عرب را در پرورش شخصیت‌های زن و مرد دو داستان تحلیل می‌کند. غلامرضایی (۱۳۷۰) شخصیت‌های داستانی منظومه خسرو و شیرین را که از نظر پیشینه تاریخی و ادبی قابل بحث و بررسی بوده‌اند، به تفصیل تحلیل کرده‌است. اقبالی (۱۳۸۰) داستان خسرو و شیرین را در شاهنامه با خمسة نظامی مقایسه کرده‌است. غفاری (۱۳۹۴) به مطالعه تطبیقی شیرین در شعر فردوسی، نظامی، وحشی بافقی و خانا قبادی پرداخته‌است و مزداپور (۱۳۷۱) به مقایسه تطبیقی میان دو روایت از این داستان (شاهنامه فردوسی و نظامی) پرداخته‌اند. برخی محققان شخصیت‌های این داستان را تحلیل کرده‌اند (رک: صفری و حسینی، ۱۳۸۸؛ پناهی، ۱۳۸۴ و فاطمی و دُرپر، ۱۳۸۸). تمیم‌داری و عباسی (۱۳۹۱) در سه داستان عاشقانه ویس و رامین، خسرو و شیرین و لیلی و مجنون به بررسی نشانه‌هایی می‌پردازند

که بتوان آن‌ها را به دیگر داستان‌های عاشقانه تعمیم داد. ذوالفقاری (۱۳۹۱) در طبقه‌بندی منظومه‌های عاشقانه فارسی، داستان خسرو و شیرین را بر اساس درونمایه عاشقانه آن در دسته «صرفاً عاشقانه» قرار می‌دهد. واعظزاده (۱۳۹۵) نیز به بررسی خویشکاری‌های داستان‌های عاشقانه فارسی و از آن میان، خسرو و شیرین پرداخته‌است. سرانجام، ثواب و دیگران (۱۳۹۴) نیز ویژگی‌های نشانه-معناشناسی کنش‌های مختلف داستان را بر پایه نظریه گریماس تحلیل کرده‌اند.

### ۳. مبانی نظری پژوهش

روایت، بازگویی رخدادهایی است که از لحاظ زمانی و مکانی با خواننده فاصله دارند. راوی، حاضر و ظاهراً به مخاطب و قصه نزدیک است، اما رخدادها غایب و دورند. رخدادها در روایت از پیش انگاشته شده هستند و توالی زمانی و علی دارند (ر.ک؛ تولان، ۱۳۸۳: ۱۶ - ۲۰). این روایت است که به رخدادها، این «موجودات تنها و گسسته»، شکل سازمان‌یافته می‌دهد و آن‌ها را در ارتباط یا تقابل با هم می‌نشانند (ر.ک؛ چتمن، ۱۹۷۸: ۱۸-۲۱). بیشتر روایت‌ها خط سیر دارند؛ یعنی معمولاً به سمت و سویی می‌روند که از آن‌ها انتظار می‌رود و نوعی پیشرفت تدریجی یا حتی گره‌گشایی یا نتیجه‌گیری در آن‌ها دیده می‌شود. در واقع، روایت باید آغاز، میانه و پایان داشته باشد (ر.ک؛ تولان، ۱۳۸۳: ۱۸). فرمالیست‌ها به دنبال یافتن کوچک‌ترین عنصر روایی تشکیل‌دهنده ساختار روایت بودند که قابل تقسیم به واحد کوچک‌تر از خود نباشد. پیش از پراپ، وسلوفسکی کوچک‌ترین واحد روایتی را «بن‌مایه» (ر.ک؛ پراپ، ۱۳۶۸: ۳۸) و توماشفسکی نیز اصل وحدت‌بخش در یک ساختار داستانی را «یک فکر کلی» یا همان «درون‌مایه» نامیده بود (ر.ک؛ توماشفسکی، ۱۳۹۲: ۲۹۷ - ۳۰۰). پراپ برای شناسایی عناصر پایدار و متغیر، در مجموعه‌ای از صد حکایت پریان روسی به این اصل رسید که هرچند شخصیت‌های یک حکایت متغیرند، اما کارکردهای آن‌ها در حکایت‌ها پایدار و محدود است (ر.ک؛ اسکولز، ۱۳۷۹: ۹۵-۹۶). پس از فرمالیست‌ها، ساختارگرایان نیز در حوزه روایت‌پژوهی وارد شدند. تودوروف ساختار یک روایت را به «اجزای کلام (اسم خاص، فعل و صفت)»، «گزاره»، «پی‌رفت»، «قصه (متن)»، و رولان بارت آن را به «کارکرد» و «نمایه» تقسیم کرد. کارکردها لحظات پرخطر داستان به شمار می‌آیند، اما همه آن‌ها به یک اندازه مهم نیستند. دسته‌ای که به زعم بارت، لایه‌های واقعی روایت را تشکیل می‌دهند، کارکردهای هسته‌ای و دسته دیگر که تنها فضای بین لایه‌های کارکردها را پر می‌کنند، «کارکردهای وابسته» نام دارند. نمایه‌ها ویژگی‌هایی هستند که نمی‌توانند جز در

سطح شخصیت‌ها یا در سطح روایت کامل شوند. آن‌ها در روایت، متوالی هستند و در یک فصل، شخصیت یا یک اثر گسترده می‌شوند (Barthes, 1966: 19). همچنین، «کارکردهای وابسته ضعیف‌تر از هسته‌ای‌ها و صرفاً واحدهای متوالی هستند، اما کارکردهای هسته‌ای هم متوالی و هم علی هستند» (بارت، ۱۹۶۶: ۹۸). کارکردهای هسته‌ای نقش بسیار مهمی در متن ایفا می‌کنند، از این نظر که تغییر یا دگرگونی در آن‌ها منجر به دگرگونی در کارکرد متوالی آن خواهد شد. به همین سبب، تشخیص هسته‌ای یا وابسته‌ای بودن آن‌ها در روایت، کاری دشوار، اما مهم است. کارکردهای هسته‌ای در روایت می‌توانند منجر به وضعیت دگرگونی در کارکرد بعدی خود شوند، در صورتی که کارکردهای وابسته از چنین اهمیتی برخوردار نیستند. میان کارکردها ارتباط و توالی وجود دارد. دو اصل مهم زمان و علت و معلولی، پیونددهنده میان کارکردهاست. توالی زمانی در میان کارکردهایی که منطبق بر وقوع آن‌ها حاکم است، حتماً وجود دارد، اما می‌تواند کارکردهایی تنها با رابطه توالی زمانی باشند، بدون اینکه زنجیره‌ای علی آن‌ها را به هم مربوط کند.

همان گونه که تودوروف اشاره می‌کند، مفهوم زمان داستان مشمول قراردادی است که با زمانمندی «آرمانی» یا «طبیعی» یکسان است. در حقیقت، با یک خط داستانی یا حتی یک شخصیت می‌توان توالی دقیق داستان را پیدا کرد (ر.ک؛ ریمون کنان، ۱۹۸۳: ۱۶-۱۷). توالی زمانی با اصل، «واو» و اغلب با اصل علیت، یعنی «چرایی» و «بنابراین» همراه است. فورستر این دو اصل را به کار گرفته بود تا میان دو نوع روایت که آن‌ها را به ترتیب «داستان» و «پیرنگ» نامید، تمایز قائل شود:

«ما داستان را روایتی از حوادث تعریف کرده‌ایم که در توالی زمانی منظم شده‌اند و پلات را روایتی از حوادث و رخدادها که بر علیت آن‌ها تأکید می‌کند. اصل علیت می‌تواند به واسطه زمانمندی مستتر شود یا در جای مناسب، خود را آشکار کند» (ریمون کنان، ۱۹۸۳: ۱۶-۱۷).

تودوروف در تقسیم‌بندی خود از انواع رابطه میان گزاره‌ها از رابطه‌ای نام می‌برد که نه زمانی است و نه علی و آن وقتی است که دو گزاره به دلیل برخی شباهت‌ها میانشان کنار هم قرار گرفته‌اند و به این شکل فضایی خاص، متن را ترسیم می‌کنند.

(ر.ک؛ اسکولز، ۱۳۷۹: ۱۶۱). یک قصه ممکن است دست‌کم حاوی یک پی‌رفت باشد، اما ممکن است چندین پی‌رفت را در بر داشته باشد (ر.ک؛ تودوروف، ۱۳۸۸: ۱۷۴). برمون هر روایت را متشکل از سه مرحله «امکان کنش»، «امکان فعلیت» و «دگرگونی» می‌داند. این اصطلاحات، «امکان کنش»، «گذار به کنش» و «نتیجه کنش» یا «دستاورد» را بیان می‌کند (ر.ک؛ برتنس، ۱۳۸۷: ۸۳). در این دیدگاه، هر گونه روایت با موقعیت پایداری آغاز می‌شود،

سپس امکان دگرگونی آن پدید می‌آید و سرانجام، آن موقعیت دگرگون می‌شود. این سه وضعیت، یک پی‌رفت کامل را می‌سازند (ر.ک؛ احمدی، ۱۳۹۶: ۱۶۶). پی‌رفت در منظر تودوروف نیز معنایی همانند نظر برمون دارد:

«پی‌رفت کامل، همیشه و فقط متشکل از پنج گزاره خواهد بود. یک روایت آرمانی با موقعیت پایداری آغاز می‌شود که نیرویی آن را آشفته کرده‌است، پیامد آن یک حالت عدم تعادل است. سپس با عمل نیرویی در خلاف جهت نیروی پیش‌گفته، تعادل برقرار می‌گردد» (تودوروف، ۱۳۹۲: ۹۱).

تودوروف سه شکل ارتباطی میان پی‌رفت‌ها قائل است: درونه‌گیری، زنجیره‌ای و تناوبی یا درهم‌تنیدگی. در شکل درهم‌تنیدگی، «پی‌رفت‌ها یکی پس از دیگری قرار می‌گیرند. گاه گزاره‌ای از پی‌رفتِ نخست، پس از گزاره‌ای از پی‌رفت دوم می‌آید و گاه گزاره‌ای از پی‌رفتِ دوم پس از پی‌رفتِ نخست واقع می‌شود» (تودوروف، ۱۳۹۲: ۹۴).

#### ۴. کارکرد

هرمز پسرदार نمی‌شود. این کارکرد امکان بالقوه برای صورت گرفتن یا نگرفتن کارکرد بعدی در داستان را فراهم می‌کند: «هرمز قربانی و نذر بسیار می‌کند/ نمی‌کند». در صورت انجام گرفتن یا نگرفتن این کارکرد، کنش بعدی می‌تواند به فعلیت برسد یا نرسد: «هرمز پسرदार می‌شود/ نمی‌شود». در مرحله پایانی، با انجام گرفتن کنش بالقوه و به فعلیت در آمدن آن، وضعیت پایدار/ ناپایدار ثانویه ایجاد می‌شود که به قول تودوروف، با وضعیت متعادل اولیه متفاوت است. «این تعادل دوم شبیه تعادل نخست است، اما این دو هیچ‌گاه یک چیز نیستند» (تودوروف، ۱۳۹۲: ۹۱). در داستان خسرو و شیرین، بیش از هزار کارکرد هسته‌ای به علاوه چندصد کارکرد وابسته و نمایه به دست آمد که با توجه به حجم بسیار آن‌ها، تنها به ذکر چند نمونه برای ترسیم نحوه دست‌بندی روایت بسنده شد.

#### جدول شماره ۱

کارکردهای هسته‌ای	کارکردهای وابسته	نمایه‌ها
شادی و عیش شیرین و همراهان	باده‌نوشی و بازی کردن	زیبارویان شوی‌ندیده
رسیدن شاپور به محل شیرین	-----	زودتر از شیرین، صبح زود
نقاشی کردن صورت خسرو	-----	بر خجسته کاغذی به عینه
دیدن تصویر خسرو از سوی شیرین	-----	-----
آوردن تصویر خسرو نزد شیرین	به زیبارویان دستور دادن	یک ساعت فرورفتن در تصویر خسرو
تحت تأثیر قرار گرفتن شیرین از تصویر	-----	سُست شدن دل شیرین

اصول ترکیب کارکردها در روایت خسرو و شیرین به شیوه‌های زیر صورت می‌گیرد:

## ۱-۴. توالی زمانی

این شکل از ارتباط میان کنش‌ها و رخدادها که تابع قواعد جهان بیرون است، در تمام روایت خسرو و شیرین وجود دارد. زمان، عامل محوری و پیش‌برنده داستان است. داستان در بطن زمان شکل می‌گیرد و در صورت توقف زمان، رخدادی رخ نمی‌دهد. خسرو در پنج‌سالگی به تماشا کردن پرداخت، «پس از آن» در شش‌سالگی به آموختن رسوم شش‌جهت مشغول شد، «بعد از آن» پدر برایش آموزگار استخدام کرد، «سپس» در مهارت‌ها کارآمد شد. میان کارکردهای اصلی روایت، توالی زمانی وجود دارد.

## ۲-۴. توالی علی

کارکردهای هسته‌ای منجر به پدید آمدن رخدادهایی می‌شوند که بلافاصله و یا با فاصله از آن‌ها، در همان پی‌رفت و یا حتی در پی‌رفت‌های بعدی داستان می‌آیند. راوی داستان خسرو و شیرین برای هر کنشی که در داستان رخ می‌دهد، علتی ذکر می‌کند. نامگذاری‌ها در جهان قدیم و امروزه بی‌دلیل نیستند. پادشاه نام خسروپرویز را به دلیل ویژگی خاص خسرو برای او انتخاب می‌کند. بین داد کردن پادشاه و فرزند خواستن او زمانمندی طبیعی وجود دارد. اما میان فرزندخواهی، نذر کردن و قربانی دادن پادشاه، اصل علت حاکم است. «چون» پادشاه فرزند می‌خواهد، نذر می‌کند و «چون» قربانی می‌دهد، فرزند پسری نصیب او می‌شود. این نتیجه‌بخشی در این صحنه بلافاصله و بدون فوت وقت انجام می‌شود. در این پی‌رفت، خسرو به صحرا می‌رود و عشرت‌طلبی می‌کند، تمام کارکردهای اصلی و وابسته خود را مهیا می‌کنند تا عامل و مسبب اتفاقی باشند که بس مهم است و آن از دست دادن چهار مطلوب ارزشمند برای شاهزاده است. در تمام این موارد، معلول پس از وقوع علت و بلافاصله رخ می‌دهد، اما توالی همه علت و معلول‌ها پشت سر هم و بلافاصله نیست. گاهی راوی علت یک کنش نهایی را در داستان بسیار پیشتر از وقوع معلول بیان می‌کند. پادشاه پس از انجام ناروایی‌های خسرو و اطرافیان به این دلیل آن‌ها را سخت مجازات می‌کند که خود از ابتدا بسیار عادل و منصف بوده‌است. پس از مجازات شدن، خسرو بلافاصله به دنبال راه حلی برای بازگرداندن وضعیت پیشین است. «مجازات شدن» عاملی برای شفیع انگیختن پیران نزد پادشاه می‌شود. به این ترتیب، تمام کنش‌هایی که پس از آن در داستان انجام می‌گیرد، از همان مجازات شاهزاده سرچشمه گرفته‌است. این کنش‌ها همگی با فاصله بسیار از علت وقوع خود رخ می‌دهند. راوی داستان حساسیت بسیاری بر بیان علت رخدادها در روایت دارد. در هر زمان که رخدادی

بیان می‌شود و تصمیم و یا انگیزه مهمی به وسیله کنشگران در داستان گرفته می‌شود، بلافاصله راوی علت‌ها و سبب آن‌ها را که در جهان عین و یا در جهان ذهنی کنشگران رخ داده است، بازگو می‌کند.

علت‌ها در روایت خسرو و شیرین به انواع زیر دسته‌بندی می‌شوند:

#### ۱-۴. علت‌های طبیعی و منطقی

علت‌ها می‌تواند واقعی و طبیعی، و یا غیرواقعی و ماوراءالطبیعی باشد. پادشاه عادل فرزند گناهکار خود را مجازات می‌کند. شاهزاده تحقیر می‌شود و جایگاهش را نزد پدر از دست می‌دهد. پس به دنبال جبران مافات برمی‌آید.

#### ۲-۴. علت‌های غیرطبیعی و ماورایی

##### - طالع و بخت مبارک یا نامیمون

علت برخی رخدادها در روایت منطقی نیستند و متعلق به دنیای معنویات و مابعدالطبیعه هستند. در همان ابتدای گزارش داستان، راوی از تاجدار و تخت‌گیر بودن خسرو یاد می‌کند که اشاره به پادشاه شدن او در زمان آینده دارد. راوی علت این امر را طالع بلند خسرو می‌داند. زمانی که خسرو به جنگ با بهرام می‌رود، علت پیروزی خسرو بر بهرام، حمله کردن او در زمان مناسب به کمک اسطربلاب است. همچنین، نامساعد بودن بخت بهرام و طالع خوب خسرو نیز عوامل اصلی پیروزی خسرو در آن جنگ است.

##### - دیدن رؤیا

از عوامل و نیروهایی که در روایت علت رخ دادن بسیاری از اتفاقات است، دیدن خواب و رؤیاست. در ابتدای داستان، خسرو خوابی عجیب می‌بیند که در آن انوشیروان، خسرو را به چهار چیز نوید می‌دهد. شاهزاده با دیدن آن رؤیا تصمیم به جستجو کردن و به دست آوردن چهار مطلوب یادشده می‌گیرد. مهین‌بانو نیز تحت تأثیر خوابی که دیده‌است، از تعقیب شیرین پس از فرار از ارمن منع می‌کند.

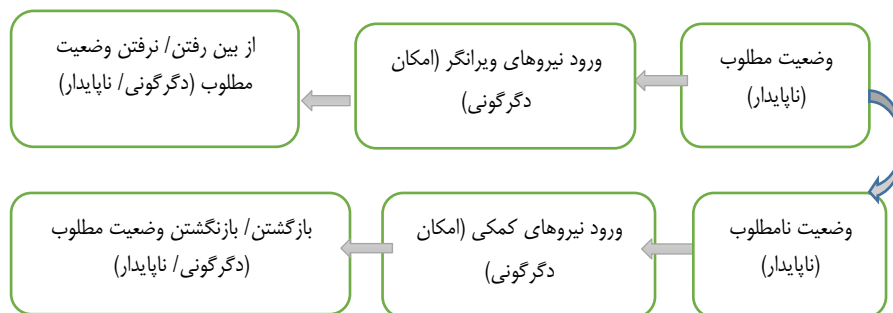
#### ۳-۴. توالی فضایی

این نوع رابطه میان نمایه‌ها و گزاره‌های اسنادی کاربرد دارد که در توصیفات داستان به کار رفته‌اند. در این حالت، گزاره‌ها صرفاً به دلیل مشابهت در کاربرد کنار هم قرار گرفته‌اند. زمانی که خسرو به ده‌سالگی می‌رسد، با شیران به جنگ می‌پردازد، در شمشیرزنی ماهر می‌شود و در تیراندازی تبحر بسیار کسب می‌کند. این کارکردها نقش کم‌اهمیت‌تری از کارکردهای هسته‌ای دارند و برای توصیف یک یا چند ویژگی کنشگر، یک مکان و یا یک زمان به کار می‌روند.

## ۴-۴. پی‌رفتها

هر پی‌رفت ممکن است حداکثر هر پنج شرط اصلی را برای ساخت پی‌رفت داشته باشد و ممکن است نداشته باشد؛ یعنی ممکن است یک پی‌رفت از میانه آغاز شود و یا با حالت برگشت به تعادل پایان نپذیرد. پی‌رفتهای روایت خسرو و شیرین همگی حداقل چهار شرط اصلی برای شکل‌گیری یک پی‌رفت دارند. نویسندۀ روایت خسرو و شیرین الگوی مشخصی دارد که در بیشتر پی‌رفتهای خود از آنها استفاده می‌کند. در صحنۀ آغازین پی‌رفت، وضعیت مطلوب اولیه حاکم است، ← سپس نیروهایی مادّی یا معنوی برای از بین بردن وضعیت متعادل اولیه تلاش می‌کنند (= امکان دگرگونی)، ← سرانجام، این وضعیت متعادل از بین می‌رود (= دگرگونی). کنشگر اولیه برای از بین بردن نیروهای مخرب تلاش می‌کند و نیروهای کمکی مادّی یا معنوی را در این راه به کار می‌گیرد (= امکان دگرگونی) ← در نهایت، نتیجۀ مطلوب و دلخواه (داشتن فرزند، ولایت‌عهدی، پادشاهی، عشق) به دست می‌آید/ نمی‌آید (= دگرگونی و دستاورد). این پنج حالت اصلی که می‌تواند در یک پی‌رفت به صورت کامل و در پی‌رفتی دیگر به صورت ناقص وجود داشته باشد، در بیشتر پی‌رفتهای این روایت تکرار می‌شود. روایت خسرو و شیرین بر این اساس دارای چند پی‌رفت است.

شکل ۱: ساختار پی‌رفتهای روایت خسرو و شیرین نظامی





#### ۴-۱. ساختار روایی تولد خسرو

این پی‌رفت، کوتاه و منظم است. هر چهار وضعیت یک پی‌رفت در آن وجود دارد و هر کدام تنها یک بار رخ می‌دهند. دگرگونی ناشی از ورود نیروهای مقابله‌گر یک بار و دگرگونی ناشی از ورود نیروهای کمکی نیز در برابر آن تنها یک بار رخ می‌دهد. کنشگر اصلی، هرمز (پدر خسرو) است و با حاصل شدن دستاورد مطلوب، این پی‌رفت به پایان می‌رسد.

جدول شماره ۲

وضعیت مطلوب	ورود نیروهای ویرانگر (امکان دگرگونی)	از بین رفتن وضعیت مطلوب (دگرگونی)	ورود نیروهای کمکی (امکان دگرگونی)	بازگشت وضعیت مطلوب (دگرگونی)
دادورزی هرمز	---	بدون وارث بودن	نذر و قربانی کردن	پسردار شدن هرمز

#### ۴-۲. ساختار روایی دستیابی خسرو به مطلوب‌های چهارگانه

این پی‌رفت، طولانی‌ترین و پیچیده‌ترین پی‌رفت روایت است. وضعیت متعادل نخستین با ورود نیروهای مقابله‌گر به صورت موقت از بین می‌رود. در برابر آن، نیروهای کمکی وارد عمل می‌شوند و وضعیت متعادل را به صورت موقت برقرار می‌کنند. این رفت‌وآمد میان نیروهای کمکی و مقابله‌گر تا پایان پی‌رفت ادامه می‌یابد و برقراری وضعیت نامتعادل و متعادل نیز به صورت موقت در نوسان است، تا اینکه در پایان پی‌رفت، وضعیت متعادل دوباره برقرار، و دستاورد حاصل می‌شود. نکته شایسته بررسی در این پی‌رفت، همراه بودن چهار پی‌رفت در درون این پی‌رفت است. در مطالعات اولیه، تنها نشان از یک پی‌رفت کلی در روایت دیده می‌شود، اما تحلیل‌های عمیق‌تر، از وجود چهار پی‌رفت داخل این پی‌رفت خبر می‌دهد. این کمرنگ شدن دیگر پی‌رفت‌ها ناشی از مداخله‌ی راوی در روایت و نیز حذف و خلاصه کردن رویدادها در آن است، به گونه‌ای که برخی از آن‌ها هرگز گزارش نمی‌شوند و از برخی دیگر نیز به سرعت عبور می‌شود. این پی‌رفت در واقع، روند دستیابی کنشگر به چهار هدف است. شاهزاده در ابتدای پی‌رفت دوم، چهار چیز ارزشمند را از دست می‌دهد. به همین سبب، رؤیایی سراسر صادقانه می‌بیند که در آن از چهار گنج والا صحبت می‌شود. این چهار مطلوب به ترتیب ذکر شدن در رؤیای شاهزاده عبارتند از: رسیدن به شیرین، شب‌دیز، تخت پادشاهی و باربد. بر مبنای رسیدن شاهزاده به این چهار چیز، چهار پی‌رفت داخل پی‌رفت دوم شکل می‌گیرد که بنا به سلیقه‌ی راوی و مصلحت‌بینی‌های او می‌تواند همه پنج ویژگی لازم یک پی‌رفت کامل را داشته باشد و یا

یک پی‌رفت ناقص باشد. هر یک از این پی‌رفت‌ها در تحقیق، بنا به هدف کنشگر به نام‌های آن‌ها نام‌گذاری شده‌است.

#### ۳-۴-۴. ساختار روایی دستیابی خسرو به شیرین

این پی‌رفت طولانی و مهم، پیچیده‌ترین مسیر دستیابی خسرو برای رسیدن به یکی از اهداف مطلوب خود است. در پی‌رفت رسیدن به شیرین، شاهد کنش‌های بسیار نیروهای کمکی و کشاکش آن‌ها در مقابل نیروهای مقابله‌گر هستیم. در نتیجه این کشاکش‌ها، دستاورد مطلوب به صورت موقت به دست می‌آید و به صورت ناپایدار نیز از بین می‌رود. این کشاکش‌ها تا پایان داستان ادامه دارد و تا آنجا پیش می‌رود که خسرو به شیرین دست یابد. در تمام این پی‌رفت، شاپور مهم‌ترین نیروی کمکی خسرو در رسیدن به شیرین است. به جز شاپور، پیران دیر و قضا و قدر الهی و نیز کمک خداوند از نیروهای یاریگر در این پی‌رفت هستند. آنچه در این پی‌رفت به صورت متفاوت مشاهده می‌شود، این است که نیروهایی که در پی‌رفت‌های دیگر مقابله‌گر هستند، در اینجا در نقش نیروهای کمکی، نقش ویژه دارند؛ چنان‌که حمله بهرام چوبین به دربار ایران، موجب حرکت خسرو به سمت ارمن و ملاقات موقت او با شیرین در چشمه‌سار می‌شود. نیروهای مقابله‌گر در این پی‌رفت، همراهان و غلامان شیرین در حفاظت از او، اصرار شیرین بر ازدواج با خسرو و پاسداشت حرمت خود، دور شدن خسرو از شیرین به اجبار برای ترک ایران، ورود مریم، فرهاد و شکر اصفهانی و سرانجام، ورود شیرویه به داستان است. امکان کنش و دگرگونی در بسیاری از کارکردها اتفاق می‌افتد، اما لزوماً کنش و دگرگونی در کارکرد بعدی رخ نمی‌دهد. کنشگر از نیروهای کمکی بسیاری استفاده می‌کند، اما ورود نیروهای مقابله‌گر و یا کارآمد نبودن نیروهای کمکی در عدم موفقیت کنش آن‌ها مؤثر است.

جدول شماره ۳

وضعیت مطلوب	ورود نیروهای ویرانگر (امکان دگرگونی)	از بین رفتن وضعیت مطلوب (دگرگونی)	ورود نیروهای کمکی (امکان دگرگونی)	بازگشت وضعیت مطلوب (دگرگونی)
رشد کردن مطلوب خسرو	ورود شاهزاده و همراهان به ده	خوردن غوره باغ توسط غلام شاهزاده	----	----
----	جاسوسان شاه	خشمگین شدن شاه	----	----
----	تحریک جاسوسان	مجازات کردن غلام	----	----
----	----	----	کفن پوشیدن شاهزاده	شفقت شاه بر خسرو
----	----	----	شفیع انگیختن پیران	ولیعهد شدن خسرو
----	----	----	گریه و زاری شاهزاده	متأثر شدن خسرو
----	----	----	خواب دیدن	متأثر شدن خسرو
----	----	----	آگاهی دادن شاپور	رفتن شاپور به ارمن
رسیدن به ارمن	----	----	پیران دیر	آگاهی از مکان شیرین
یافتن شیرین	----	----	تصویر کردن خسرو	متأثر شدن شیرین
----	غلامان و ندیمان	پاره و پنهان کردن آن	----	----
----	----	----	حرکت شیرین	دیدن تصویر خسرو
----	----	----	نگهبانی دادن غلامان	پیدا شدن شاپور
دیدار با شاپور	----	----	توصیف خسرو	عاشق شدن شیرین
----	----	----	راهنمایی شاپور	امیدوار شدن شیرین
----	----	----	سوار شدن بر شیدیز	دور شدن شیرین
----	----	----	ترس خسرو از هرمز	فرار از ایران
----	----	----	قضا و قدر الهی	دیدار خسرو و شیرین
----	خویشتر داری خسرو	حرکت نکردن خسرو	----	----
----	تردید شیرین متعهد بودن شیرین	فرار کردن شیرین از چشمه‌سار	----	----
----	----	----	حرکت شیرین	رسیدن به مدائن
----	----	----	حرکت خسرو به ارمن	دیدار خسرو با مهین‌بانو
----	----	----	دادن مأموریت به شاپور	----
----	----	----	دادن گلگون به شاپور	رسیدن شاپور به شیرین
----	خیر مرگ هرمز	رفتن خسرو به ایران	----	----
----	فرمان خسرو به شیرین	رفتن شیرین از ایران	----	----
----	----	شورش بهرام بر خسرو	فرار خسرو از ایران	----
----	----	فرار خسرو به ارمن	دیدار خسرو و شیرین	----
----	پند مهین‌بانو	پذیرفتن پند	----	----
----	پاده‌نوشی خسرو	گستاخی خسرو	----	----
----	ناز و عتاب شیرین/ شرط گذاشتن او	خشم خسرو و دور شدن از شیرین	----	----
----	رفتن خسرو به روم	ازدواج با مریم	----	----
----	----	مرگ مهین‌بانو	بازگشت شیرین به ایران	----
----	----	----	درخواست خسرو از مریم	----
تهدید کردن مریم	منصرف شدن خسرو	----	مأموریت دادن به شاپور	----
ورود فرهاد به قصر	عاشق شدن فرهاد	----	----	----
----	----	مشورت خسرو با بزرگان	تصمیم‌گیری خسرو	----
----	----	دادن پول به فرهاد	----	----
----	----	دادن پیشنهاد کار به فرهاد	قبول کردن	----
از عهده برآمدن فرهاد	دیدار شیرین با فرهاد	مشورت خسرو با بزرگان	یافتن راه	----

-----	استخدام مرد خیرسان	-----	-----	-----
خودکشی کردن فرهاد	خبر مرگ شیرین	-----	-----	-----
شاد شدن خسرو	مرگ مریم	-----	-----	-----
-----	-----	گستاخی خسرو	باده‌نوشی خسرو	-----
-----	-----	ازدواج خسرو با شکر	آگاهی خسرو از شکر	-----
دگرگون شدن دل خسرو	تأثیر نیایش شیرین	-----	-----	-----
دیدار خسرو و شیرین	حرکت خسرو به قصر	-----	-----	-----
-----	دلجویی خسرو	-----	-----	-----
-----	-----	-----	گله شیرین از بی‌مهری	-----
-----	یاد خسرو از عشق خود	-----	-----	-----
-----	اصرار خسرو به شیرین و...	-----	-----	-----
-----	-----	بازگشت خسرو از قصر	شرط گذاشتن شیرین	-----
حرکت شیرین به خرگاه	پشیمانی شیرین	-----	-----	-----
-----	دیدار شاپور و شیرین	-----	-----	-----
-----	خواب دیدن خسرو	-----	-----	-----
شاد شدن خسرو	تعبیر خواب خسرو	-----	-----	-----
متأثر شدن آن‌ها	غزل گفتن نکیسا و بارید	-----	-----	-----
پای‌بوسی کردن شیرین	ظاهر شدن شیرین	-----	-----	-----
سوگند خسرو بر ازدواج	راهنمایی شاپور به خسرو	-----	-----	-----
ازدواج خسرو با شیرین	فراخواندن موبد	-----	-----	-----
وصال خسرو و شیرین	به هوش آمدن خسرو	-----	-----	-----
-----	-----	قتل خسرو	عشق شیرویه بر شیرین	-----
۲۲	تعداد کنش نیروهای مقابله‌گر			
۲۱	تعداد دگرگونی ناشی از کنش			
۴۴	تعداد کنش نیروهای کمکی			
۳۲	تعداد دگرگونی ناشی از کنش			

#### ۴-۴-۴. ساختار روایی دستیابی خسرو به شب‌دیز

شب‌دیز همراه با شیرین به دربار ایران می‌رسد. نیروهای کمکی و مقابله‌گر در رسیدن به شب‌دیز تا مقطعی از ساختار روایی دستیابی به شیرین یکسان هستند. شب‌دیز در همان ابتدای راه از شیرین جدا شده، جزئی از متعلقات دربار می‌شود. شاهزاده در فرار از بهرام به کمک شب‌دیز به ارمن، سپس به سرعت به روم می‌شتابد. پس از این صحنه، با کمک شب‌دیز به اصفهان برای دیدار با شکر روانه می‌شود. آخرین حضور شب‌دیز در روایت، در شبی زمستانی است که خسرو سوار بر او به قصر شیرین می‌شتابد. شب‌دیز از جمله نیروهای کمکی کنشگر در دستیابی به سلطنت و شیرین است. این مطلوب کنشگر پس از به دست آمدن، دیگر از او جدا نمی‌شود و راوی زمان زیادی را برای پرداختن به او صرف نمی‌کند.

جدول شماره ۴

وضعیت مطلوب	ورود نیروهای ویرانگر (امکان دگرگونی)	از بین رفتن وضعیت مطلوب (دگرگونی)	ورود نیروهای کمکی (امکان دگرگونی)	بازگشت وضعیت مطلوب (دگرگونی)
مانند پیرفت دوم	مانند پیرفت دوم	خوردن علوفه باغ	----	----
----	مانند پیرفت دوم	خشم پادشاه	----	----
----	مانند پیرفت دوم	پی کردن اسب	----	----
نیروهای مقابله‌گر و کمکی همانند پیرفت دستیابی به شیرین هستند.				
----	----	----	رسیدن شیرین به ایران	اقامت شب‌دیز در قصر
تعداد کنش نیروهای مقابله‌گر		۷		
تعداد دگرگونی ناشی از کنش		۶		
تعداد کنش نیروهای کمکی		۱۵		
تعداد دگرگونی ناشی از کنش		۱۴		

۴-۵. ساختار روایی دستیابی خسرو به سلطنت

پی‌رفت سوم، روایت دستیابی خسرو به تخت سلطنت است. این پی‌رفت مهم همزمان با پی‌رفت شیرین و شب‌دیز شکل می‌گیرد، اما بنا به سلیقه راوی، برخی از قسمت‌های آن در روند روایت حذف و یا خلاصه می‌شوند. میزان کشاکش‌ها، دستیابی‌ها و جدایی‌های آن کمتر از پی‌رفت شیرین است (تعداد کارکردهای هسته‌ای آن تقریباً نصف پی‌رفت شیرین است). راوی بنا به علاقه شخصی خود به نوع موضوعات و اینکه قسمت‌هایی از روایت پیش از او در شاهنامه فردوسی نقل شده‌است، از تکرار آن‌ها در روایت خود خودداری می‌کند و آن را در مسیر پریپیچ‌وخم وصال‌ها و جدایی‌ها گرفتار نمی‌سازد. حذف و خلاصه کردن رویدادها و رخدادها از عناصری است که راوی از آن در این پی‌رفت بهره بسیار گرفته‌است، برعکس روایت شیرین که سراسر توضیح جزئیات رخدادهاست.

جدول شماره ۵

وضعیت مطلوب	ورود نیروهای ویرانگر (امکان دگرگونی)	از بین رفتن وضعیت مطلوب (دگرگونی)	ورود نیروهای کمکی (امکان دگرگونی)	بازگشت وضعیت مطلوب (دگرگونی)
مانند پی‌رفت دوم	مانند پی‌رفت دوم	خوابیدن بر تخت	----	----
----	مانند پی‌رفت دوم	مانند پی‌رفت دوم	----	----
----	مانند پی‌رفت دوم	بخشیدن تخت	----	----
نیروهای کمکی همانند پیرفت‌های پیشین هستند.				
ولیعهد بودن شاهزاده	سکه زدن	خشم پادشاه	----	----
----	----	----	بزرگ‌امید	دادن خبر توطئه شاه راهنمایی به خسرو
----	----	----	شب‌دیز	فرار خسرو با او

استراحت خسرو در قصر مهین بانو	----	----	رسیدن قاصد درخواست بزرگان	بازگشت خسرو به ایران
----	----	----	زمان و وقت فرخ	نشستن به تخت
----	تهمت زدن بهرام رای قوی داشتن بهرام کمک از بزرگان	حمله به ایران	----	----
----	بازی‌های روزگار شورش مردمان	فرار خسرو از ایران	----	----
----	----	----	کمک خسرو از نیرنگ	فرار از دست بهرام
----	----	----	حرکت خسرو به ارمن	رسیدن به ارمن
----	----	----	شرط گذاشتن شیرین	حرکت خسرو به روم
----	جنگجویان بهرام	----	رسیدن خسرو به رهبانان	اموختن حکمت
----	----	----	رسیدن خسرو به روم	----
----	----	----	آگاهی فیصر از بخت خوب خسرو	بخشیدن تاج و دختر خود به خسرو
----	----	----	سپاه فیصر	شکست خوردن بهرام
----	----	----	بخت ناموافق بهرام	
----	----	----	سنجیدن وقت حمله	
----	----	----	آگاهی خسرو از زمان مناسب برای حمله	
----	----	----	خودبین شدن بهرام	
----	----	----	سریچی بهرام تند شدن بخت	----
----	----	----	مبارک بودن وقت و زمان	شاه شدن خسرو
----	----	----	رسیدن خبر مرگ بهرام	شادی خسرو
مستحکم شدن سلطنت خسرو	----	----	اندرز شیرین به خسرو حکمت اموختن خسرو	عدالت‌ورزی خسرو در مملکت
----	بدفعل بودن شیرویه	ناراحت بودن خسرو	مشورت با بزرگ امید	آرام شدن خسرو
----	کناره‌گیری خسرو	اقامت در آتشخانه	----	----
----	استخدام کردن قاتل	کشتن خسرو	----	----
تعداد کنش نیروهای مقابله‌گر		۱۳		
تعداد دگرگونی ناشی از کنش		۹		
تعداد کنش نیروهای کمکی		۲۶		
تعداد دگرگونی ناشی از کنش		۱۸		

## ۴-۴-۶ ساختار روایی دستیابی خسرو به بارید

آخرین مطلوبی که انوشیروان دستیابی به آن را به خسرو نوید داده بود، داشتن مطربی چیره‌دست است. خسرو از ابتدای جوانی عشرت‌ساز و بزم‌جوست. بارید نیز ماهر در نواختن همهٔ ادوات موسیقی و آگاه به سی لحن است. این تنها هدف در میان دیگر دستاوردهای

شاهزاده است که راوی از چند و چون رسیدن به آن هیچ گزارشی به دست نمی‌دهد. نام باربد اولین بار پس از مرگ بهرام چوبین و در بزم شادی آن ذکر می‌شود. آخرین حضور وی نیز هنرنمایی در شب زفاف خسرو است.

#### جدول شماره ۶

وضعیت مطلوب	ورود نیروهای ویرانگر (امکان دگرگونی)	از بین رفتن وضعیت مطلوب (دگرگونی)	ورود نیروهای کمکی (امکان دگرگونی)	بازگشت وضعیت مطلوب (دگرگونی)
مانند پی‌رفت دوم	مانند پی‌رفت دوم	نواختن چنگ	-----	-----
نیروهای مقابله‌گر و کمکی همانند پی‌رفت دستیابی به شیرین هستند.				
-----	-----	-----	-----	پیدا شدن باربد
تعداد کنش نیروهای مقابله‌گر		۳		
تعداد دگرگونی ناشی از کنش		۳		
تعداد کنش نیروهای کمکی		۴		
تعداد دگرگونی ناشی از کنش		۲		

#### ۴-۶ ساختار روایی دستیابی شیرین به خسرو

در حالی که در ظاهر روایت با یک پی‌رفت بزرگ (دستیابی خسرو به مطلوب‌های چهارگانه) مواجه هستیم که خود شامل چندین پی‌رفت فرعی و کوچک‌تر است، نگاهی دقیق بر کل روایت نشان می‌دهد که موازی با این پی‌رفت و کمی دیرتر از آن، پی‌رفتی شکل می‌گیرد که ساختاری همانند پی‌رفت دوم دارد. کنشگران این پی‌رفت با دیگری یکسان هستند، با این تفاوت که آن‌ها نقش‌های خود را با یکدیگر تعویض می‌کنند. شاهزاده که در سراسر پی‌رفت پیشین، کنشگر، آمر و تصمیم‌گیرنده است، در این پی‌رفت به هدف مطلوب تبدیل می‌شود. شیرین نیز که خود در پی‌رفت پیشین هدف مورد جستجو بود، با دل بستن به خسرو فرایند جستجو را برای دستیابی به او آغاز می‌کند. در این راه، کنش‌ها و دگرگونی‌های موقت بسیاری انجام می‌گیرد و نیروهای مقابله‌گر، شیرین را از هدف خود دور می‌کنند، اما او خود به‌تنهایی و یا با کمک گرفتن از نیروهای یاریگر به مقابله با آن‌ها می‌رود.

خسرو و شیرین در روند دستیابی به هدف‌های اصلی خود حرکتی متضاد دارند؛ هرچه شیرین به هدف مطلوب خود (خسرو) نزدیک می‌شود، به همان میزان خسرو از هدف خود (سلطنت) دور می‌شود. خسرو هیچ‌گاه سلطنت و شیرین را همزمان در کنار هم ندارد. همین نکته را شیرین به‌خوبی در داستان درک کرده‌است و به همین سبب، در مرتبه‌ی آخری که در کنار پادشاه است، به او گوشزد می‌کند که این بار هم او و هم سلطنت را باید با یکدیگر به دست آورد. او دو شرط ازدواج و بازپس‌گیری تاج و تخت پادشاهی را برای پادشاه تعیین می‌کند که با واکنش تند خسرو مواجهه می‌شود.

## جدول شماره ۷

وضعیت مطلوب	ورود نیروهای ویرانگر (امکان دگرگونی)	از بین رفتن وضعیت مطلوب (دگرگونی)	ورود نیروهای کمکی (امکان دگرگونی)	بازگشت وضعیت مطلوب (دگرگونی)
شاد بودن شیرین	ورود شاپور	----	----	----
----	دیدن تصویر خسرو	میهوت شدن شیرین	ندیمان و غلامان	دریدن / پنهان کردن تصویر تغییر دادن مکان استراحت جستجوی صاحب تصویر
پیدا شدن شاپور	----	----	ندیمان شیرین	آوردن شاپور نزد شیرین
----	----	----	گفتن عشق خسرو	متأثر شدن شیرین
----	----	----	رازگشایی شیرین	فاش کردن نام خسرو
----	----	----	راهنمایی شاپور	حرکت شیرین
----	----	----	شب‌دیز	دور شدن شیرین
----	جستجو کردن شیرین	----	----	----
----	----	----	مهمین بانو	جستجو نکردن شیرین
----	----	----	خسته بودن شیرین	توقف در مسیر
----	----	----	آگاهی خسرو از تهدید	فرار کردن
----	----	----	خسته شدن اسبان	توقف خسرو در مسیر
----	خویشتن‌داری خسرو	حرکت نکردن	----	----
----	تردید شیرین	فرار شیرین از	----	----
----	متعهد بودن شیرین	چشمه‌سار	----	----
رسیدن به مدائن	----	----	تعارض شیرین	دستور ساختن قصری دیگر
----	دستور بازآوردن شیرین	حرکت شاپور	----	----
----	خبر مرگ پادشاه	حرکت کردن خسرو	----	----
----	----	رسیدن شاپور به دربار	رسیدن شیرین به دربار	رساندن پیام به شیرین
----	----	سوار شدن بر گلگون	رسیدن شیرین به ارمن	رسیدن شیرین به ارمن
----	----	حمله بهرام به خسرو	فرار خسرو از دربار	فرار خسرو از دربار
----	----	حرکت خسرو به ارمن	رسیدن خسرو به شکارگاه	رسیدن خسرو به شکارگاه
دیدار خسرو و شیرین	----	گفتن نام خود به یکدیگر	متأثر شدن هر دو	متأثر شدن هر دو
----	دعوت شیرین از خسرو	دعوت شیرین از خسرو	پذیرفتن دعوت شیرین	پذیرفتن دعوت شیرین
----	اندرز مهمین بانو	چوگان باختن	پذیرفتن پند مهمین بانو	پذیرفتن پند مهمین بانو
----	دعوت خسرو از شیرین	به بزم نشستن	نزدیک شدن آن‌ها	نزدیک شدن آن‌ها
----	دعوت خسرو از شیرین	به بزم نشستن	پذیرفتن دعوت خسرو	پذیرفتن دعوت خسرو
----	نزدیک شدن آن‌ها	----	نزدیک شدن آن‌ها	نزدیک شدن آن‌ها
----	مست شدن خسرو	گستاخی خسرو	----	----
----	دست‌درازی خسرو	برآشفتگی شیرین	----	----
----	شرط گذاشتن شیرین	برآشفتگی خسرو	----	----
----	رفتن خسرو	ناراحتی شیرین	----	----
دیو هوس	تشویق به رفتن	فرخ‌سروش آسمانی	امیدوار کردن شیرین	امیدوار کردن شیرین
----	فوت مهمین بانو	نشستن شیرین به تخت	----	نشستن شیرین به تخت
----	شنیدن خبر ازدواج	ناراحت شدن شیرین	----	ناراحت شدن شیرین
----	آشفته شدن اداره دولت	سپردن تخت شاهی	----	سپردن تخت شاهی
----	رفتن شیرین به ایران	اقامت در قصر	----	اقامت در قصر
----	آگاهی خسرو از شیرین	----	----	----
----	ندیدن شیرین	یاد کردن شیرین	----	یاد کردن شیرین
----	برآشفتگی شیرین	مست شدن خسرو	----	مست شدن خسرو
فرستادن شاپور	----	----	----	فرستادن شاپور
----	نیاز شیرین به شیر	----	----	معرفی فرهاد به وسیله شاپور



عاشق شدن فرهاد	آمدن فرهاد نزد شیرین	----	----	----
آغاز کردن ساخت جوی	سفارش ساخت جوی	----	----	----
رفتن شیرین به محل کار	تمام شدن ساخت جوی	----	----	----
متأثر شدن فرهاد	ملاقات شیرین با فرهاد	----	----	----
مرگ فرهاد	دیدار خسرو با فرهاد	----	----	----
----	مرگ مریم	----	----	----
----	----	آگاه شدن از شکر	مست شدن خسرو	----
----	----	زاری کردن شیرین	ازدواج خسرو با شکر	----
نیروهای مقابله گر و کمکی تا مرگ خسرو با پی‌رفت دستیابی خسرو به شیرین یکسان هستند.				
دور شدن شیرویه از شیرین	خودکشی شیرین			
۳۰		تعداد کنش نیروهای مقابله گر		
۲۳		تعداد دگرگونی ناشی از کنش		
۶۶		تعداد کنش نیروهای کمکی		
۴۸		تعداد دگرگونی ناشی از کنش		

#### ۵. ترکیب پی‌رفت‌ها با یکدیگر در روایت خسرو و شیرین

ترکیب پی‌رفت نخست و دوم، زنجیره‌ای است. در پی‌رفت طولانی «دستیابی خسرو به چهار مطلوب»، چهار پی‌رفت فرعی وجود دارد. بین این پی‌رفت‌های فرعی و پی‌رفت بزرگ‌تر و نیز بین پی‌رفت اصلی با پی‌رفت «دستیابی شیرین به خسرو» حالت درهم‌تنیدگی است.

#### ۶. نتیجه

الگوی ساختاری روایت خسرو و شیرین برگرفته از روند ثابتی از تغییر وضعیت و دگرگونی از متعادل به نامتعادل در روایت است. این چرخه با حضور وضعیت متعادل در روایت، آغاز و با کنش کنشگران مختلف دچار دگرگونی و پیچیدگی می‌شود. کنش‌ها و واکنش‌های نیروهای دگرگون‌کننده در روایت تا آنجا ادامه می‌یابد که روایت به تعادل برسد. هرچند این تعادل آن تعادل اولیه نیست و دگرگونی کاملی در روایت رخ داده‌است، اما با دستیابی به این وضعیت، داستان می‌تواند پایان یابد. در روایت خسرو و شیرین، سه پی‌رفت اصلی و سه پی‌رفت فرعی وجود دارد که به شیوه درونه‌گیری و زنجیره‌ای ترکیب شده‌اند. در پی‌رفت‌های ناقص و فرعی (دستیابی خسرو به شیدیز و باربد)، کمترین تعداد و کنش‌های نیروهای کمکی و مقابله‌گر به چشم می‌خورد. آنچه این چرخه را کند و طولانی و یا کوتاه و سریع می‌کند، تعداد کنش‌ها و واکنش‌های متقابلی است که میان نیروهای یاریگر و مقابله‌گر رخ می‌دهد. این نیروها بین پی‌رفت‌ها در حال جابه‌جایی و تغییر نقش هستند و می‌توانند ماهیت خود را از شر به خیر تغییر دهند. نکته مهم، کنشگری همزمان شیرین با خسرو است که خود یک پی‌رفت کامل را شکل می‌دهد. بر این اساس، روایت خسرو و

شیرین از دو خط سیر با دو کنشگر اصلی تشکیل شده که یکی برای دستیابی به چهار هدف مهم در حال حرکت و کنشگری است و دیگری همزمان تنها برای به دست آوردن یک مهم (خسرو) به جستجو و تلاش دست می‌زند. نیروی محرکه پی‌رفت‌ها کارکردهای هسته‌ای روایت هستند که با کنش خود موجب واکنش و حرکت در کارکردهای بعدی خود می‌شود/ نمی‌شوند. زمانی که کنش‌های روایت با تأثیر علی و معلولی خود منجر به امکان دگرگونی در روایت می‌شوند، طرح داستان به پیش می‌رود و ممکن است دگرگونی در داستان رخ دهد و در صورتی که دگرگونی ناشی از کنش کنشگران در داستان پایدار باشد، پی‌رفت تمام می‌شود و چرخه پی‌رفت بعدی آغاز می‌شود (پی‌رفت تولد خسرو). در مقابل، هرگاه آن‌ها در هر کدام از این مراحل متوقف شوند، پی‌رفت همچنان به حرکت خود ادامه می‌دهد تا دگرگونی پایداری به دست آورد. دستاورد نهایی پی‌رفت‌ها به دلیل اسارت در دنیای مادی، هیچ‌گاه پایدار نیست. خسرو پادشاهی را از دست می‌دهد و شیرین با مرگ خسرو از او جدا می‌شود. حاکم بودن ایدئولوژی اغتنام فرصت، کوتاهی عمر و ناپایداری غم و شادی راوی، در شکل‌گیری ساختار روایت و از دست رفتن مطلوب‌های نهایی در پایان روایت تأثیر مستقیم دارد.

### منابع

- احمدی، بابک (۱۳۹۶)، *ساختار و تأویل متن*، چ ۱۹، تهران، مرکز.
- اسکولز، رابرت (۱۳۷۹)، *درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، آگاه.
- اقبال، ابراهیم (۱۳۸۰)، *سیمای خسرو و شیرین در دو آئینه*، اردبیل، شیخ صفی.
- باباصفیری، علی اصغر (۱۳۹۲)، *فرهنگ داستان‌های عاشقانه در ادب فارسی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- پراپ، ولادیمیر (۱۳۶۸)، *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*، تهران، توس.
- پناهی، نعمت‌الله (۱۳۸۴)، «شخصیت شیرین در منظومه خسرو و شیرین نظامی»، نامه پارسی، ش ۳۹، صص ۵۵-۳۳.
- تمیم‌داری، احمد و سمانه عباسی (۱۳۹۱)، «نقد و تحلیل ساختاری و نشانه‌شناسی داستان‌های عاشقانه»، *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، ش ۱، صص ۲۹-۴۶.
- تودوروف، تزوتان (۱۳۸۲)، *بوطیقای ساختارگرا*، ترجمه محمد نبوی، چ ۲، تهران، آگاه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، *بوطیقای نثر (پژوهش‌هایی نو درباره حکایت)*، ترجمه انوشیروان گنجی‌پور، تهران، نی.
- تولان، مایکل (۱۳۸۳)، *درآمدی تقادانه- زبان‌شناختی بر روایت*، ترجمه ابوالفضل حری، تهران، بنیاد سینمایی فارابی.

توماشفسکی، بوریس (۱۳۹۲)، *نظریه ادبیات*، گردآوری تزوتان تودوروف، ترجمه عاطفه طاهایی، چ ۲ تهران، دات.

ثواب، فاطمه و دیگران (۱۳۹۴)، «ساختار روایت خسرو و شیرین نظامی بر پایه نظریه معنانشناسانه گریماس»، *پژوهشنامه ادب غنایی*، ش ۲۴، صص ۵۸-۳۷.

ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۱)، طبقه بندی منظومه های عاشقانه فارسی، تاریخ ادبیات، ش ۷۱. سعیدی سیرجانی، علی اکبر (۱۳۶۸)، *سیمای دو زن*، تهران: نشر نو.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۱)، «طبقه بندی منظومه های عاشقانه فارسی»، *تاریخ ادبیات*، ش ۷۱، صص ۷۸-۹۰. صفری، جهانگیر و مجتبی حسینی (۱۳۸۸)، «سیمای شاپور در منظومه خسرو و شیرین»، *نثرپژوهی ادب فارسی*، ش ۲۶، صص ۲۰۳-۲۳۱.

غفاری، نظام (۱۳۹۴)، *جلوه شیرین (شیرین و ویژگی های او در شعر فردوسی، نظامی، وحشی باققی و خانا قبادی)*، تهران، بیریار.

غلامرضایی، محمد (۱۳۷۰)، *داستان های غنایی منظوم (از آغاز شعر فارسی دری تا ابتدای قرن هشتم)*، چ ۱، تهران، فردابه.

قربانی، فاطمه، محمد غلامرضایی (۱۳۹۶)، «بررسی ساختار زمان در خسرو و شیرین نظامی گنجوی بر اساس الگوی زمان و روایت ژنت»، *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی*، ش ۳۳، صص ۱۵۳-۱۹۶.

فاطمی، سید حسین و دُرپر، مریم (۱۳۸۸)، «بررسی سازوکار شخصیت ها در خسرو و شیرین نظامی»، *جستارهای ادبی*، ش ۱۶۷، صص ۵۳-۷۷.

مزدایور، کتایون (۱۳۷۱)، «خسرو و شیرین در دو روایت»، *فرهنگ*، ش ۱۰، صص ۴۰۹-۴۲۹. واعظزاده، عباس (۱۳۹۵)، «رده بندی داستان های عاشقانه فارسی»، *نقد ادبی*، ش ۳۳، صص ۱۵۷-۱۸۹. نوروزی و دیگران (۱۳۸۷)، «تحلیل رویکرد تحقیقات نظامی شناسی در کتاب های محققان ایرانی از ۱۳۰۰ تا ۱۳۸۴»، *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ش ۱۰، صص ۵۵-۷۲.

Barthes, Roland (1966), *An Introduction to the Structural Analysis of Narrative*, The Johns Hopkins University Press.

Chatman, Seymour (1978), *Story and Discourse*, United State of America, Cornell University Press.

Shlomith, Rimmon-Kenan (1983), *Narrative Fiction: Contemporary Poetics*, London and New York, Routledge.

